



همجنس بودن نور و رنگ

پیش از این گفتیم که نور، سبب ظهور و تقویت رنگ می باشد و بالعکس، رنگ نور را ضعیف کرده و از او رنگ میگیرد. این تأثیر و تأثر متقابل بخاطر این است از یک جنسند با اینکه در نوع متفاوتند. و اگر متجانس نبودند بین آنها فعل و انفعالی روی نمیداد. چنانکه میبینیم نور از بو رنگ نمیگیرد و بو هم ابداً با نور تقویت نمیشود زیرا غیر متجانسند.

پس دانستیم که نور و رنگ از یک جنسند و تمایز آنها چنانکه در هفته پیش هم توضیح دادیم در این است که نور از رنگ به مبدأ نزدیک تر بوده و به این جهت به نفسه ظاهر است. و رنگ به علت دور تر بودن از مبدأ ظهور مبدأ را حکایت نکرده و برای ظهور خود نیازمند نور میباشد. و اگر همین رنگ به مبدأ نزدیک باشد بنفسه ظاهر میشود.

مثال این مطلب این است که آسمان و زمین هر دو جسم است، با این تفاوت که آسمان به سبب نزدیکی به مبدأ زنده و متحرک (حرکت افلاک) است. و زمین به علت فاصله و دوری از مبدأ مرده و بی حرکت است.

همچنین رنگ اگر نزدیک به مبدأ باشد بنفسه ظاهر میشود مانند تیرگی زحل و سفیدی مشتری و سرخی مریخ و زردی خورشید که بدون تابشی بنفسه دیده میشوند، و اگر دورتر از مبدأ باشد بنفسه ظهوری نداشته و نیازمند تابش صاحب ظهوری است. همانطور که حیات زمین از افلاک بوده (حیات حیوانی که از فلک قمر است) و در ظهورش به نور خورشید نیازمند است.

در پایان این مطلب مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع میفرمایند:

این (مطلب) دَری است که از آن مسائل زیادی باز میشود چون راز ترتب همه موجودات است (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت).